

تولد حضرت ولی عصر (ع)

یکی از روزنامه های صبح تهران (مرد مبارز) بمناسبت رحلت امام حسن عسکری (ع) تحت عنوان (مسئله غیبت) مطالبی راجع بوجود اقدس امام زمان ارواحنا فداه نوشته بود که از هر نظر مورد ایراد و انتقاد است .
از هنگام انتشار آن شماره ، خوانندگان گرامی از تهران و شهرستانها خواسته اند که گذشته از تعقیب قانونی ، نوشته های مزبور را بلاجواب نگذاریم ، و در این باره توضیحی بدهیم .

یکی از بدبختی های ما اینست که هر کسی در محیط ما بخود حق می دهد بدون صلاحیت در هر کاری دخالت کند و هر چه بفکر پریشانش می رسد بگوید و بنویسد و میان خلق الله منتشر سازد . شاید این طرز کار در هیچ جای دنیا مثل کشور ما معمول نباشد . جای بسی تأسف است که بعضی مقامات مربوط نیز این گونه افراد بی صلاحیت را در عمل خود آزاد می گذارند تا هر رطب و یابسی بهم بیافند و در جهت تأمین منافع دشمنان اسلام بکار برند و احساس مسئولیت هم نمایند !

چون نوشته مزبور بدون امضاء است و مسئولیت متوجه مدیر روزنامه می باشد لذا ما او را مسئول این عمل تحریک آمیز می دانیم و در این نوشته روی سخن با اوست .
در روزنامه مزبور از جمله نوشته بود : « اگر از شیعیان که ما هستیم سؤال شود درباره امام حسن عسکری چه میدانید شاید جز اینکه او امام یازدهم و پدر امام زمان است ، چیز دیگری ندانیم و شاید هم حق داشته باشیم » باید باو بگوئیم ابدأ چنین حقی را ندارد . او از چه کسی پرسیده و چه کتابی را خوانده است که با اینکه شیعه است بعد از چهل پنجاه سال هنوز چیزی در این باره نمیداند !

امروز دانشمندان دینی و نویسندگان مطلع مذهبی کم نیستند و کتاب درباره امام زمان نیز کم نیست ، بنا بر این جای تعجب است که این « مرد مبارز » تاکنون عقب مانده و در این باره چیزی نفهمیده است !

ما نمی دانیم این نویسنده واقعاً شیعه است و از روی بی اطلاعی مسئله غیبت را بدینگونه در روزنامه اش مطرح کرده است ، یا دشمن دوست نما است و منظور خاصی داشته است ؟ در هر صورت نوشته یاد شده بی اطلاعی او را کاملاً به ثبوت میرساند .

وی از جمله مینویسد : « امام حسن عسکری در زمان خلافت « معتضد » می زیست و این خلیفه اگرچه تابع زنان حرمسرا بود اما تمایلی به شیعه داشت . وی « ابن فرات » را که شیعه بود بوزارت برگزید ، اما رقبای او به خلیفه فشار آوردند ، و خلیفه به ناچار

اورا به زندان انداخت و علی بن عیسی را بوزارت منصوب کرد» گفتار این آقای نویسنده انسان را به یاد داستان معروف حسن و حسین می اندازد زیرا :

اولا امام حسن عسکری (ع) متوفی بسال ۲۶۰ هجری در زمان خلافت «متوکل» و «معتمد» می زیسته نه در زمان «معتمد» که در سال ۲۷۹ یعنی ۱۹ سال بعد از حضرت عسکری (ع) بخلافت رسیده است .

ثانیاً : معتمد شیعه نبوده بلکه مانند سایر خلفای عباسی اهل تسنن ولی مردی بی رحم و سنگدل و سفاک بوده و تازه تابع زنان حرم سرا بودن (که شیوه تمام خلفای عباسی بوده) چه ربطی به شیعه بودن او دارد ؟

ثالثاً : ابن فرات وزیر « مقتدر » یکی دیگر از خلفای بنی عباس بوده که در سال ۲۹۵ یعنی بیست و پنج سال بعد از رحلت حضرت عسکری (ع) روی کار آمد و همه مورخان نوشته اند که « مقتدر » بر اثر وسوسه و تلون مزاج پیوسته وزرای خود را عزل و نصب می کرد و از جمله (ابن فرات) یعنی علی بن محمد بن موسی بن فرات را سه بار و علی بن عیسی را دوبار عزل و نصب کرد .

رابعاً : بطوریکه شیخ طوسی در کتاب « غیبت » مینویسد : پدر همین ابن فرات وزیر ، یعنی محمد بن موسی یکی از مدعیان نبابت امام زمان (محمد بن نصیر نمیری) را تحریک و تقویت می کرد که بدروغ خود را نایب آنحضرت بداند ، بنابر این خاندان ابن فرات برخلاف روش شیعه اثنی عشری گام بر می داشتند .

سپس این نویسنده سفسطه هائی ردیف کرده است که ثابت کند : « امام حسن عسکری به هنگام وفات طبق نوشته های مورخین فرزندی از خود باقی نگذاشت و هرچه خانه او را جستجو کردند کسی را نیافتند و شخصی اظهار داشت که کنیزی از امام باردار است » II باید از این مورخ محقق و صاحب نظر نوظهور پرسید « این مورخان » چه کسانی هستند ؟ شما که به ادعای خودت شیعه هستی کدام مورخ شیعه نوشته است که امام حسن عسکری فرزندی نداشت ؟ در کدام کتاب شیعه نوشته است که آنحضرت بلاعقب بود ؟ کلیه دانشمندان شیعه بدون استثناء تصریح کرده اند که امام حسن عسکری (ع) فرزندی از خود باقی گذاشت و او همان امام دوازدهم شیعه و مهدی موعود اسلام است که غیبتی طولانی دارد و در بحرانی ترین روزگار جهان به امر خدا آشکار میشود و دنیا را پراز عدل و داد میکند .

و اگر منظور مورخان اهل تسنن باشد آن هم چنین نیست که در این باره سکوت کرده باشند . کتب معتبر اهل تسنن پراز احادیث مهدی موعود است و کلیه علائم و نشانه های او را از قول نبی اکرم (ص) بطرق مختلف از راویان موثق خود نقل کرده اند . حتی عدده زیادی از آنها بهمانگونه که شیعه عقیده دارد ، او را فرزند امام حسن عسکری (ع) میدانند .

مانند ابن صباغ مالکی در کتاب « الفصول المهمه » محمد بن طولون دمشقی در « الاثمة الاثني عشر » شیخ سلیمان حنفی در « ینایع الموده » کنجی شافعی در « البیان فی اخبار صاحب الزمان » محی الدین عربی در « فتوحات مکيه » عبدالوهاب شعرانی در « الیواقیت و الجواهر » ابن حجر مکی در « صواعق محرقة » .

و از کتب تواریخ قدیمی که نویسنده مزبور میتواند استفاده کند، تاریخ گریده حمدالله مستوفی، مجمل التواریخ تألیف ۵۹۰ هجری، مجمل فصیحی، حبیب السیر را که همگی از اهل تسنن است میتوان نام برد. این مورخین صریحاً نوشته اند صاحب الزمان پسر امام حسن عسکری (ع) است. اینک برای نمونه عبارت چندتن آنها را ترجمه میکنیم:

ابن حجر مکی مینویسد: « ابوالقاسم محمد ملقب به « حجت » بعد از وفات پدرش (امام حسن عسکری که قبلاً نام میرد) پنجساله بود، در آن سن خداوند بوی حکمت داد و « قائم منتظر » هم نامیده میشود (۱)

عبدالوهاب شعرانی: مهدی فرزند امام حسن عسکری است در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد، او زنده است تا با عیسی بن مریم گردآید (۲).

کنجی شافعی: باب پنجم در اینکه مهدی - پسر امام حسن عسکری - زنده است و از زمان غیبتش تا کنون باقی است و بقای وی بلاشکال است. چون عیسی و خضر الی الآن زنده و باقی می باشد. چطور ممکن است بدلیل کتاب و سنت اینان زنده باشند ولی طول عمر مهدی را انکار کرد؟! (۳)

عبدالملک عصامی مورخ نامی حجاز: امام محمد المهدی بن الحسن العسکری بن علی النقی . . . رضی الله عنهم اجمعین در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری یا ۲۵۶ متولد شد. مادر وی کنیزی بنام صیقل یا سوسن یا نرجس بوده، کنیه اش ابوالقاسم، القابش حجت، خلف صالح، قائم منتظر، صاحب الزمان و مهدی است که از همه مشهورتر است. او جوانی معتدل زیبا و خوش سیما و دارای بینی کشیده و پیشانی باز است، هنگام رحلت پدرش پنجسال داشت (۴).

بعلاوه راویان و دانشمندان شیعه و سنی وزیدی وزن و مردی که امام زمان را دیده اند و از او بنام پسر امام حسن عسکری خبر داده اند آنقدر زیاد هستند که نمی توان احصاء کرد (۵).

نویسنده مزبور پس از مقدمه چینی و غرض ورزی نتیجه گیری می کند که

- ۱ - صواعق محرقة ص ۱۲۴ .
- ۲ - الیواقیت و الجواهر ج ۲ ص ۱۴۳ .
- ۳ - البیان فی اخبار صاحب الزمان ص ۱۰۲ .
- ۴ - سمط النجوم العوالی ج ۴ ص ۱۳۸ .
- ۵ - نگاه کنیده به کتاب « الامام المهدی » تألیف علی محمد دخیل. و « مهدی موعود » ترجمه ۱۳ بحار علامه مجلسی ترجمه نویسنده این سطور .

جعفر (کذاب) برادر امام عسکری اعلام کرد برادرش فرزند نداشته ۱ و ترد خلیفه و علمای سنی هم ثابت شد و لذا ارث امام حسن عسکری را میان جعفر و مادرش تقسیم کردند و کنیز هم نتوانست ثابت کند که از امام عسکری صاحب فرزند شده است !!

و بعد میگوید حسین بن منصور حلاج (صوفی معروف) مدعی نیابت امام زمان شد، علما او را تکفیر نمودند و بعد خلیفه او را به دار آویخت.

از این نوشته پیداست که این نویسنده تحت تأثیر برخی از بدخواهان شیعه و نوشته های احمد کسروی و تلقینات فرقه ضاله، دستخوش این پریشان گوئی شده است.

جعفر کذاب طبق نوشته کلیه دانشمندان مردی منحرف و عامل دربار بنی عباس بوده است، و حتی چندین بار از برادرش امام عسکری ترد خلیفه شکایت و سعایت کرد و از این رو گفتار او بکلی از درجه اعتبار ساقط است.

کشتن حلاج هم بخاطر اعتقاد به وحدت وجود و دعوی اناناللهی و افکار خاص صوفیانه و اعمالی بوده است که مریدانش جنبه کرامت به آن می دادند، آنها که بعد از دار زدن حلاج او را ستوده اند نیز همین جهت را در نظر داشته اند.

بدیهی است وقتی در میان شیعیان شایع شود که امام دوازدهم غائب شده، سودجویان و فرصت طلبان هم بیکار نخواهند نشست، خواه حلاج باشد یا شلمغانی و نصیری و نمیری یا در این اواخر متمهیدیان دیگر.

برای اطلاع بیشتر، خوانندگان نگاه کنند به سلسله مقالات ما در «مکتب اسلام» تحت عنوان موعودی که جهان در انتظار اوست (از شماره ۲ سال ۸ تا ۲۰ سال ۹) این بود میزان اطلاعات این نویسنده پر ادعا! . . .

گواهی دیگران

افتخار مسلمانان و دانشمندان آنها در این است که آنها تابع و پیرو و مروج دینی هستند که پایه های آن بر فضیلت و دانش استوار است، و هرچه جهان بیشتر رو بجلو میرود عظمت احکام و فلسفه آن بیشتر میشود، روی این اصل، نجات و سعادت جاودانی افراد انسانی را فقط باطاعت قوانین الهی و عمل به مفاد آنها میداند.

حضرت محمد (ص) شخصی است مافوق بشر و مادون خدا پس او بدون شك فرستاده خدا است.

« لامارتین »